



نقش رهبری «امامین انقلاب» در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران

هادی ابراهیمی کیایی^۱، وحید آرایبی^۲، جواد جمالی^۳

چکیده

بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد و انقلاب ایران در حالی وارد دهه پنجم خود شد که بسیاری از مخالفین و معاندین چهل سالگی انقلاب را ندیدند، اما انقلاب ماند و چهل سالگی خود را به نظاره نشست و وارد دهه پنجم خود شد. دهه‌ای که رهبری معظم انقلاب از آن به عنوان سرآغاز گام دوم انقلاب یاد نمودند. اینکه چگونه انقلاب توانست علی‌رغم همه توطئه‌های داخلی و خارجی، در میان حیرت بسیاری از تحلیل‌گران با صلابت از این مسیر عبور کند نیاز به بررسی عمیق جامعه‌شناسانه دارد. در یک بررسی جامعه‌شناسانه عوامل متعدد در شکل‌گیری و تداوم یک پدیده دخیل هستند. انقلاب ایران نیز از این امر مستثنی نیست، اما در بین این شاخص‌ها، به اذعان کارشناسان، عامل رهبری تأثیر به‌سزائی در حفظ و تداوم انقلاب داشته است. بنابراین پرسش ما در این پژوهش آن است که شاخص رهبری در ایران بعد از انقلاب چگونه در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی نقش داشته است؟ فرضیه ما این است که رهبری در قالب اصل ولایت مطلقه فقیه با تصمیمات حکیمانه، خردگرایانه، تکلیف‌گرایانه و مصلحت‌گرایانه مهم‌ترین عامل در حفظ و تداوم انقلاب در عبور از توطئه‌های داخلی و خارجی بوده است.

کلیدواژه‌ها: رهبری، تداوم، تصمیم‌گیری، حکیمانه، خردگرایانه، تکلیف‌گرایانه، مصلحت‌گرایانه، انقلاب اسلامی ایران

دوره ۱۳، شماره ۱،
پیاپی ۳۱ بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۱/۲۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۳/۳۱
صص: ۹۵-۸۳

شاپا: ۵۶۴۵-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی فصلت گواهی در
JOURNALS.MSRT.IR

DOR:

۱. دانشیار علوم سیاسی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ایران (نویسنده مسئول)
ebrahimih56@yahoo.com
۲. استادیار گروه مدیریت دولتی و خط مشی‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
۳. دانش‌آموخته دوره دکترای، جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران

مقدمه

مطالعه و بررسی انقلاب‌ها از آن جهت که مسیر تحولات و آینده یک کشور را در نظم جهانی در معرض تغییر قرار داده‌اند، دارای اهمیت می‌باشند. علاوه بر این استمرار و تداوم اهدافی که انقلابیون بر مبنای آن نظام مستقر را کنار زدند و نظم جدیدی را بنا نموده‌اند، همواره یکی از مهم‌ترین موضوعاتی می‌باشد که در کالبد شکافی انقلاب‌ها مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین علاوه بر دلائل شکل‌گیری انقلاب‌ها، موضوع تداوم و استمرار آن نیز دارای اهمیت بسیاری می‌باشد، از همین رو است که هانتیگتون از دو مرحله «تحرك سیاسی» و مرحله «نهادمندی انقلاب» در بررسی انقلاب‌ها سخن به میان می‌آورد. بنابراین یک انقلاب علاوه بر «آفرینش» مرحله دومی نیز دارد که از آن تحت عنوان «استمرار و تداوم انقلاب» یاد می‌نمایند.

انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین رخداد‌های تاریخ معاصر جهان محسوب می‌شود. این انقلاب در چهار دهه اخیر بر خلاف تصورات کسانی که گمان می‌نمودند، دچار ترمیدور^۱ خواهد شد^۲ و انقلابیون به دلیل بی‌تجربگی قادر به اداره کشور نیستند و دیر یا زود این انقلاب به عکس خود بدل خواهد شد، نه تنها تداوم یافت بلکه دستاوردهای متعددی را در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی نیز به ارمغان آورد.

معاندان انقلاب اسلامی ایران، در طول دهه هائی که از انقلاب اسلامی گذشته است، همواره خیال خام براندازی را در ذهن خود داشتند و گمان می‌نمودند کشور با مشکلات و فشارهائی که از خارج بر آن وارد می‌شود، دیر یا زود دچار فروپاشی خواهد شد. این تحلیل مختص دوران کنونی نبوده است بلکه در دهه نخست انقلاب نیز چنین تحلیل می‌نمودند. آنان بر خیال خود جامعه واقعیتمی‌پوشاندند و هر بار آن را به عنوان یک تحلیل سیاسی ارائه می‌دادند^۳ و تلاش می‌نمودند با تاسی از نگاه استالین به موضوعات سیاسی، واقعیتم را به تحلیل‌های خود نزدیک کنند و نه اینکه تحلیل‌های خود را به واقعیتم نزدیک نمایند.^۴

^۱ Thermidor

^۲ نظریه ترمیدور توسط، کرین بریتن مور مطرح شد. براساس این نظریه، انقلاب‌ها در مسیر تحولات خود، سه مرحله را پشت سر خواهند گذاشت:

- ۱- مرحله اول: که مرحله «بعد سرنگونی» می‌باشد و نیروهای میانه رو قدرت را در دست می‌گیرند؛
- ۲- مرحله دوم: مرحله «کنار زدن میانه روها» می‌باشد. در این مرحله نیروهای میانه رو کنار زده می‌شوند و نیروهای افراطی و رادیکال قدرت را در دست می‌گیرند؛
- ۳- مرحله سوم: که مرحله «ترمیدور» نام دارد در این مرحله که از آن به عنوان دوران «نقاہت پس از انقلاب» نیز یاد می‌شود، دوران نوستالژیکی می‌باشد که ارزش‌های رژیم سابق بر می‌گردد و نیروهای انقلابی از قدرت کنار گذاشته می‌شوند.

^۳ جان بولتون مشاور امنیت ملی ترامپ معتقد بود انقلاب ایران نباید چهل سالگی خود را ببیند.

^۴ استالین می‌گفت، وای به حال واقعیتم‌هایی که با تئوری‌های ما سازگار نباشند

با رحلت حضرت امام، بسیاری معتقد بودند که این انقلاب به پایان راه خود رسیده است^۱، اما استمرار مسیری که از سوی حضرت امام شروع شد و با اقتدار توسط «آیت الله خامنه‌ای» طی شد، برتحلیل‌های پوشالی آنان رنگ بطلان پاشید. معاندان انقلاب تنها به تحلیل‌های خود بسنده نکردند، بلکه کوشیدند برای رسیدن به آرزوهای خود، اقدام عملی نیز انجام دهند، حوادث و اتفاقات متعدد و ناگواری که کشور در این دوران همراه با پیروزی‌های که از دل این بحران‌ها بدست آورد، کافی بود تا یک انقلاب با سرنگونی و اضمحلال مواجه شود، اما علی‌رغم همه این کارشکنی‌ها، انقلاب ایران با زعامت دو رهبر بزرگ، توانست با اقتدار به سوی اهداف متعالی خود گام بردارد و شگفتی ناظران و تحلیل‌گران را به همراه داشته باشد.

این انقلاب نیز به مانند بسیاری از انقلاب‌های موجود در جهان، همواره در معرض استحاله و تغییر مسیر قرار داشت^۲ اما با این وجود توانست، آرمان‌های خود را پی‌گیری نماید و به حرکت آغازین خود استمرار و تداوم بخشد. در این مسیر پر حوادث و پرچالش، استمرار انقلاب اسلامی و تداوم در مسیری که شروع نمود، موضوع مهمی می‌باشد که نیاز به بررسی عمیق و همه‌جانبه دارد، استمرار و تداومی که به راحتی و بدون تحمل دشواری‌ها و مواجهه با موانع صورت نگرفت. در این مسیر، مؤلفه‌های متعددی در تداوم و حفظ انقلاب اسلامی ایران مؤثر بوده‌اند اما در بین مؤلفه‌های اثرگذار در تداوم این مسیر، به زعم بسیاری از محققین، «رهبری داهیان و مدبرانه امامین انقلاب»، مهم‌ترین نقش را ایفاء نمود. بنابراین ما در این پژوهش در تلاش هستیم تا علل استمرار انقلاب را از منظر مؤلفه «رهبری» مورد بررسی قرار دهیم.

۱ - پیشینه پژوهش

غلامرضا بهروزی لک و رضا کفیلی در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش رهبری در پایداری انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» با بررسی دستاوردهای انقلاب اسلامی در چلّه نخست انقلاب به برنامه‌های مطرح شده در چلّه دوم انقلاب با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران و نقش رهبری در پایداری انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. از دیدگاه

^۱ دیلیپ هیرو در کتابی تحت عنوان «طولانی‌ترین جنگ» که توسط علیرضا فرشچی ترجمه و توسط انتشارات مرز و بوم منتشر گردید، می‌نویسد: بسیاری از تحلیل‌گران بر این باور بودند که پس از رحلت آیت الله خمینی، جنگ خونینی برای رسیدن به قدرت در ایران آغاز خواهد شد. اما کسی حدس نمی‌زد که ایرانیانی که همواره نگران فوت ایشان بودند، با کم‌ترین چالشی برای انتخاب جانشین ایشان مواجه شوند. (هیرو، ۱۳۹۰: ۴۳۸)

^۲ نمونه بارز آن انقلاب کبیر فرانسه می‌باشد که به دلیل اختلاف بین رهبران انقلاب و توطئه علیه همکاران و همراهان، جمهوری را با شکست مواجه نمود و با قدرت رسیدن ناپلئون در سال ۱۷۷۹ آخرین میخ بر تابوت انقلاب کوبیده شد. انقلاب الجزایر نیز به چنین سرنوشتی دچار شد، این انقلاب نیز علی‌رغم آنکه توانست بر استعمار پیروز گردد، اما بعد از پیروزی هرگز نتوانست آرزوها و اهدافی را که مردم بر مبنای آن انقلاب خود را بنا نهاده بودند، تحقق بخشد. نمونه دیگر این انقلاب‌ها انقلاب نیکاراگوئه بود که همزمان با انقلاب اسلامی ایران به وقوع پیوست، اما بعد از چند سال به دلیل عدم هوشیاری مردم و سوء تدبیر رهبران سیاسی، دچار شکست گردید.

نویسنده آیت الله خامنه‌ای توانست با نهادینه کردن مؤلفه‌هایی نظیر ولایت، اصالت و ارائه یک نگاه روز از اندیشه اسلامی و... در تداوم انقلاب اسلامی ایران نقش مهمی را ایفاء نماید.

سید جلال دهقانی فیروزآبادی در مقاله‌ای تحت عنوان "الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه آیت الله خامنه‌ای"، کوشید با بهره‌گیری از روش اکتشافی و تکنیک تحلیل مضمون، الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی در اندیشه رهبر معظم انقلاب را مورد بررسی قرار دهد. از دیدگاه نویسنده، دستگاه فکری و شناختی رهبر انقلاب بر مبنای جهان بینی توحیدی پایه‌گذاری شده است که در این بین اسلام، مهم‌ترین منبع در تصمیم‌گیری ایشان می‌باشد.

حسن رحیمی در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش رهبری انقلاب اسلامی در حفظ تمامیت ارضی ایران» درنگاهی تطبیقی به تاریخ معاصر، به نقش رهبری سیاسی در نحوه اثرگذاری بر شکست‌ها و پیروزی‌های سیاسی می‌پردازد. نویسنده در این مقاله با مقایسه رهبری سیاسی ایران در جنگ‌هایی که در تاریخ معاصر ایران به وقوع پیوست نظیر جنگ ایران و روس و جنگ ایران و عراق، دلیل شکست ایران در جنگ با روس‌ها و کسب نتیجه‌ای مطلوب در جنگ با عراق را در رهبری سیاسی می‌داند.

مسعود جعفری نژاد و غلامحسین زارع در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش سنت‌های الهی در تداوم انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، آینده و تداوم انقلاب اسلامی را از منظر و نگاه آیت الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده در این مقاله می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که آیا انقلاب ایران به تعبیر برینتن مور دچار ترمیم‌دور خواهد شد یا خیر؟ به باور نویسنده وقوع آن محتمل می‌باشد اما از طریق سنن الهی و عمل صحیح می‌توان از آن جلوگیری نمود.

محمد باقر باباهادی و رضا فیضی در مقاله‌ای تحت عنوان، «مؤلفه‌های مانایی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله العالی)»، به چیستی و چرایی مانایی انقلاب اسلامی ایران در منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای می‌پردازند. بر مبنای پژوهش نویسندگان، چهار مضمون سازمان دهنده اصلی، که عبارتند از «اسلام، رهبری، کارآمدی و مردم» به عنوان مضامین اصلی در ماندگاری انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی و فکری ایشان محسوب می‌شود.

غلامرضا خواجه سروی و وحیده احمدی در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر دستگاه معرفتی نیروهای اجتماعی بر مانایی انقلاب اسلامی ایران» به بررسی دلایل تداوم و مانایی انقلاب با استفاده از دستگاه معرفتی نیروهای اجتماعی که در انقلاب اسلامی ایران فعال هستند، می‌پردازد. از دیدگاه نویسندگان شمولیت انقلاب ایران که در برگیرنده مؤلفه‌هایی نظیر «گفتمان رهبری»، «دین» و «رضایت مردم» می‌باشد از عوامل اصلی حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

محوریت اصلی اکثریت تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته است پردازش و تحلیل انقلاب اسلامی ایران و نیز الگوی تصمیم‌گیری در دستگاه فکری رهبران انقلاب اسلامی ایران می‌باشد و کم‌تر پژوهشی به بررسی تأثیر این الگوی تصمیم‌گیری بر حفظ و تداوم انقلاب اسلامی پرداخته است. خلائی که نوشتار حاضر می‌کوشد آن را پر نماید.

۲ - چارچوب نظری

نظریه‌های گوناگونی درباره نقش رهبری در رشته‌های مختلفی من جمله علوم سیاسی مطرح شده است که در این مورد می‌توان به تئوری «رهبری اثربخش»^۱، تئوری «رهبری کاریزماتیک»^۲، «تئوری ابرمرد»^۳ و نظایر آن اشاره نمود. در بین نظریه‌های مطرح در حوزه رهبری سیاسی، نظریه «تصمیم‌گیری حکیمانه» قابلیت تبیین‌گری مناسب‌تری در ارتباط با پژوهش حاضر دارد. این بدین خاطر است که این نظریه با ویژگی‌های رهبری و بافت و ساخت قدرت در ایران بعد از انقلاب اسلامی پیوند تنگاتنگی دارد.

۲-۱ نظریه تصمیم‌گیری حکیمانه

در مورد موضوع تصمیم و تصمیم‌گیری «پرواضح است که اخذتصمیمات و به ویژه اتخاذ مجموعه‌ای از تصمیمات، بخش مهم و اساسی فرآیند سیاسی محسوب می‌شود. اگرچه سیاست‌گذاری مرتبط با موضوع ابتکار و اجرا می‌باشد اما، تصمیم‌گیری^۴ و رسیدن به نتایج مطلوب رامشخصه اصلی سیاست می‌دانند. (هیوود، ۱۳۸۹: ۵۷۱) سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری یک فرآیند مستمر و اکتشافی می‌باشد که بازیگران سیاسی براساس شرایط و وضعیت سیاسی ناگزیرند، بر مبنای آن عمل نمایند.

فرآیند تصمیم‌گیری، متأثر از درک و شناخت مدیر از موضوع تصمیم و نیز شناخت از شرایط محیطی است. از سوی دیگر مدیران در خلاء تصمیم نمی‌گیرند، بلکه عوامل مختلفی سبک و شیوه تصمیم‌گیری آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مهم‌ترین آنها ارزش‌ها و اعتقادات تصمیم‌گیرنده می‌باشند. از این‌رو برای شناخت و تجزیه و تحلیل تصمیمات راهبردی، هردو باید مورد توجه قرار گیرد. تصمیمات حلقه اتصال منویات افراد با دنیای عمل هستند و عمل آدمی نشأت گرفته از نحوه نگرش وی و نگرش نیز حاصل ارزش‌ها و باورهای او می‌باشد. اساسی‌ترین عاملی که بر تصمیمات فرد اثر می‌گذارد، باورهای وی و سپس شرایط محیطی مسئله و موضوع مورد بررسی است.

تصمیم‌گیری حکیمانه، فرآیندی است در چارچوب جهان بینی توحیدی (مفروضات اساسی

¹ Effective Leadership

² Charismatic leadership theory

³ superman theory

⁴ Decision Making

یا متاتئوری اسلامی) و مفروضات منبعث از آن، که در آن تصمیم گیرنده برای تدبیر امور فردی و اجتماعی خویش، با بهره گیری از دانش و هنر مدیریت، همواره با اصول و مبانی اعتقادی مدرن خویش است. او از این اصول به عنوان تعیین کننده سمت و سوی آرمانی (حقیقت گرایی) و تنظیم کننده تدابیر و مواضع تصمیم گیرنده از یک سو و در نظر گرفتن شرایط حاکم بر موضوع (شناخت عوامل داخلی و محیطی) به عنوان پایه واقع گرایی از سوی دیگر، تصمیمات و تدابیر خود را اتخاذ می کند. در این فرآیند هراندازه درک از اصول و مبانی و پایبندی و التزام به آن عمیق تر و شناخت از شرایط و مقتضیات موضوع به واقعیت نزدیک تر و آشنائی و مهارت بهره گیری از علوم و فنون مدیریت ناظر بر عوالم وجودی انسان و هستی افزون تر باشد؛ تصمیمات و تدابیر حکیمانه تر، کم هزینه تر و آثار و برکات آن ماندگارتر و بهره ورت تر خواهد بود. (باقریان و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۲)

نظریه تصمیم گیری حکیمانه متشکل از دو بعد اصلی «کیفیت شناخت از موضوع» و «کیفیت اصول و مبانی» و حاوی چهار نوع تصمیم می باشد که عبارتند از:

۱ - تصمیمات حکیمانه؛

۲ - تصمیمات تکلیف گرایانه؛

۳ - تصمیمات خردگرایانه؛

۴ - تصمیمات مصلحت گرایانه.

این نظریه برخلاف نظریه های دیگر که بر پایه «عقلانیت ابزاری»^۱ شکل گرفته اند، تلفیقی از عقلانیت ابزاری و ارزشی است. به همین دلیل است که این تئوری در عین آرمان گرایی و ارزش گرایی، واقع گرایی را از یاد نبرده است. در این نظریه دو مورد حق گرایی و واقع گرایی مبنائی برای تحلیل تصمیمات اخذ شده به حساب می آید. بنابراین در این نظریه برای اخذ هرگونه تصمیم، دو مورد اصول و مبانی اعتقادی و شناخت از موضوع مبنای تعیین نوع تصمیمات می باشد. این نظریه دارای چهار رکن اساسی می باشد که عبارت است از:

۱ - تصمیم گیرنده: تصمیم گیرنده فرد یا نظام اجتماعی است که با تکیه بر اصول و مبانی

ارزشی بدون خویش و شناخت از موضوع طبق فرآیند تصمیم گیری تعریف شده، تدابیر و تصمیمات خود را اتخاذ می کند؛

۲ - اصول و مبانی: اصول و مبانی، چارچوب ارزش شکل دهنده محتوا و ساختار هویت بخش کلیه ارکان تصمیم گیری است؛

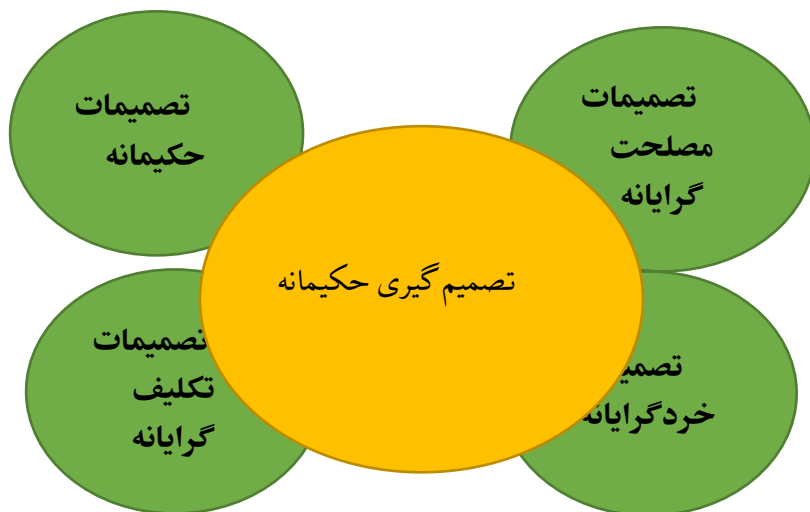
۳ - شناخت موضوع: شناخت موضوع، علم و اطلاع سازمان یافته از آثار، علل و زمینه های رشد و پایداری و تباهی یک نظام (فردی یا اجتماعی) در محیط خود است

¹ Instrumental Rationality

که پایهٔ واقع‌گرائی و تصمیمات و تدابیر متخذه است.

۴ - **فرآیند تصمیم‌گیری حکیمانه:** که شامل تبیین اصول و مبانی، تحقیق و شناخت موضوع، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، تمهید اجرا و ایجاد عزم، تحقق تصمیم و ارزیابی، تصحیح امکان است. (تسلیمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۱) فرآیند مذکور قابلیت خود اصلاح داشته و به صورت چرخهٔ تصمیم‌گیری عمل می‌کند و با تکرار تصمیمات مشابه چرخهٔ مذکور در نظام تصمیم‌گیرنده، نهادینه می‌شود.

نظریهٔ تصمیم‌گیری حکیمانه در سطح نهادی نیز، همچون نهادگرایی شناختی، متضمن تأثیرگذاری باورها و اعتقادات و احکام نهادینه شده در نهادها، سازمان‌ها و دیوان‌سالاری سیاست خارجی بردرک، تلقی و بیان موضوعات و مسائل توسط تصمیم‌گیرندگان است (رفیع پور، ۱۳۸۲: ۱۹۲) این نظریه مخالف محافظه‌کاری می‌باشد چرا که آن را مدافع وضع موجود می‌داند در حالی که محاسبات عقلانی می‌تواند تحولات عظیمی را در پی داشته باشد.



شکل ۱ - الگوی تصمیم‌گیری حکیمانه

۳ - روش پژوهش

روش پژوهش این پژوهش از نوع کیفی و از نظر ماهیت مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است. شیوه گردآوری منابع نیز، به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. محققین با استفاده از این روش می‌کوشند، با بهره‌گیری از چارچوب مفهومی «تصمیم‌گیری حکیمانه»، تأثیر این نوع از تصمیم‌گیری را بر حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار دهند.

۴ - نقش رهبری امام خمینی در تثبیت و تداوم انقلاب

۴-۱ تصمیم حکیمانه

تصمیمات حکیمانه امام در همان رویکرد آرمانگرایی واقع بینانه قابل تبیین است. در واقع آرمانگرایی واقع بینانه، آرمانگ رایی توأم با موقعیت شناسی است و تصمیمات با این ویژگی، تصمیمات حکیمانه محسوب می‌شود. تصمیمات راهبردی امام بین سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۵۷ در چارچوب ویژگی‌های تصمیم‌گیری حکیمانه بوده و دارای دو مولفه آرمانگرایی و واقع‌گرایی می‌باشد. رویکرد امام در این تصمیمات راهبردی نه آرمان‌گرایی صرف و نه واقع‌بینی محض بوده است بلکه ترکیب و تلفیقی از دو ویژگی آرمان‌گرایی و واقع‌بینی بود که دو پایه اصلی تصمیم‌گیری حکیمانه را تشکیل می‌دهد. (فروتی، ۱۳۹۸: ۱۳۴)

در واقع تصمیمات امام براساس مبانی فقه سیاسی شیعه که دارای پتانسیل بالا برای ایجاد ارتباط بین آرمان‌ها و واقعیت‌هاست، اتخاذ شده است. امام به عنوان ولی فقیه و مجتهد جامع الشرایط، در سیره عملی و سیاسی خود، تلفیق از آرمان‌گرایی و واقع‌بینی را به کار برد. امام امت در همه حوزه‌ها، هم از اصول و آرمان‌های اصیل انقلابی کوتاه نیامدند و هم این آرمان‌ها را با توجه و شناخت دقیق واقعیت‌های عینی، به صورت عقلانی پیگیری کردند. تصمیم امام برای ادامه جنگ، ۵۹۸، عزل آیت الله منتظری، تسخیر لانه جاسوسی، عزیمت امام از فرانسه به ایران، نمونه‌هایی از تصمیمات حکیمانه امام راحل بود که نقش به‌سزائی در شکل‌گیری، تداوم انقلاب داشته است.

۴-۲ تصمیم تکلیف‌گرایانه

امام خمینی (ره) با توجه به جامعه و در چارچوب راهبرد تکلیف‌گرایی، در زمان‌های مختلف تصمیمات و کنش‌های متفاوت و به ظاهر متضاد گرفته است. این تفاوت در هر دو حوزه و ساحت اندیشه و عمل سیاسی رخ داده است. در حوزه اندیشه رسیدن از حکومت اسلامی به جمهوری اسلامی، و در ساحت رفتار سیاسی تغییر دیدگاه در مورد قائم مقام رهبری در سال ۱۳۶۸، رئیس دولت موقت (۱۳۵۸) و نخستین رئیس جمهور (۱۳۶۰) نمونه‌هایی از تصمیمات و کنش‌های متفاوت امام خمینی است. تصمیم‌گیری در خصوص قطعنامه ۵۹۸، صدور حکم ارتداد و مرگ سلمان رشدی، قطع رابطه با آمریکا و مصر در سیاست خارجی نمونه‌هایی از تصمیمات و اقدامات تکلیف‌گرایانه حضرت امام بود.

۴-۳ تصمیم خردگرایانه

حضرت امام (ره) در تصمیمات سیاسی، علاوه بر کتاب و سنت از عقل بسیار بهره

^۱ به رغم داوطلبی بعضی مسئولان برای پذیرش مسئولیت قطعنامه و پیامدهای منفی آن، ولی امام خمینی (ره) شخصاً پذیرش آن را بر عهده گرفت و در چند جای پیام خود، رضایت الهی و عمل به تکلیف را مطرح می‌کند از جمله: «... من باز می‌گویم که قبول این مسأله برای من از زهر کشنده‌تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم...» و یا می‌نویسد: «... در شرایط کنونی آنچه موجب این امر شد، تکلیف الهی‌ام بود...» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۹۲-۹۴)

می‌گرفت. امام با تکیه بر قاعده «کلما حکم به الشرع، حکم بالعقل»، از طریق عقل تحلیلگر، از کتاب و سنت بهره می‌گرفت در برخی از موارد که حکم شرع نرسیده بود، آن را به عنوان یک منبع مستقل مورد استفاده قرار می‌داد. (مبلغ، ۷۳-۶۹: ۱۳۷۹) ایشان با بهره‌گیری از خرد سیاسی، مسائل سیاسی را رصد می‌نمود و به موقع بر حسب آنچه وظیف بود، بدان عمل می‌نمود. امام به دلیل مشاهده وضعیت ایران در دوره پهلوی تصمیم گرفت تا با عقلانیت و درایت وارد مبارزه سیاسی شود و با آگاه نمودن علما و مردم از مسائل کشور آنها را دعوت به اتحاد و مبارزه نماید. ایشان همواره در تصمیمات سیاسی، خردگرایی را دنبال می‌نمود، مهاجرت از تهران به قم و بعد مهاجرت از قم به تهران و ماندن در تهران تا آخر عمر، پذیرش استعفای بازرگان، عزل بنی صدر، اتخاذ تصمیمات از طریق مشورت با دیگران، نمونه‌هایی از تصمیمات خردگرایانه امام در ایران بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد.

۴-۴ تصمیم مصلحت‌گرایانه

امام در حوزه تصمیم‌گیری از مصلحت به مثابه روش استفاده کرده است. از این دیدگاه مصلحت به مثابه توجه به نقش زمان، مکان، الویت بندی امور، تشخیص اهم و مهم و شیوه حل اختلاف مسائل جاری نظام اسلامی خواهد بود. مصلحت روش تصمیم‌گیری برای دستیابی به اهداف کلان و مهم است. این نوع مصلحت، در شرایط غیرمتعارف سیاسی-اجتماعی جامعه اسلامی و تراحم ارزش‌ها، برای حل معضلات نظام به کار می‌رود. (فتحی، ۱۳۸۷: ۸) امام بر مبنای همین امر یعنی "مصلحت"، مجمع تشخیص مصلحت نظام را بنا می‌نهد. ایشان توانستند با طراحی نظام مصلحت، در کنار پایبندی به فقه سنتی، فقه سیاسی شیعه را از بن بست ناکارآمدی در پاسخ‌گویی به مسائل اجتماعی و سیاسی بیرون آورد. برای نمونه می‌توان به چند مورد از سخنان امام استناد نمود:

«حاکم می‌تواند مسجدی را که در مسیر خیابان است، خراب کند، حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند. حکومت می‌تواند از حج که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف مصالح کشور اسلامی دانست، موقتاً جلوگیری کند. (صحیفه نور، ج ۲۰، ۱۷۱)» «حاکم می‌تواند هر امری را چه عبادی و یا غیر عبادی که خلاف جریان مصالح اسلام است، از آن مادام که چنین است، جلوگیری کند.» (همان ج ۲۰، ۱۷۱-۱۶۱)

براین اساس می‌توان گفت که در نظام تصمیم‌گیری حکیمانه امام خمینی، مصلحت نظام اسلامی بر مصالح جامعه اسلامی، و مصالح جامعه اسلامی بر مصالح فردی مقدم است. امام تقدم مصالح عمومی و اجتماعی بر مصالح شخصی و فردی را تکلیف تمامی قشرها می‌داند و وظیفه حاکم اسلامی را عمل کردن براساس مصالح مسلمانان یا کشور می‌داند.

براساس نظریه تصمیم‌گیری حکیمانه، انتساب بازرگان به عنوان نخست وزیر از سوی امام راحل براساس مصلحت‌گرایی ایشان صورت گرفت. دفاع از اسلامیت نظام، دفاع از گنجاندن

اصل ولایت فقیه در قانون اساسی در ذیل اصل تکلیف گرائی قرار می‌گیرد. خردگرائی امام در دفاع از اقدامات دادگاه‌ها و نهادهای انقلابی هویدا است، چرا که هر انسان انقلابی براساس ارزشیابی‌اش از واقعیات یک جامعه انقلابی، پاکسازی‌های اوایل انقلاب را برای دفع خطر توطئه ضروری می‌داند.

۵- نقش رهبری مقام معظم رهبری (آیت الله خامنه‌ای) در تحکیم و تداوم انقلاب اسلامی

بعد از رحلت امام راحل، حضرت آیت الله خامنه‌ای از سوی مجلس خبرگان به عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران برگزیده شد. ایشان به عنوان شاگرد امام راحل، مکتب و نهضت امام را با بهره‌گیری از روش و منش امام حفظ، تقویت و تداوم بخشیدند. آیت الله خامنه‌ای به مانند حضرت امام توانست در چارچوب نظریهٔ تصمیم‌گیری حکیمانه سکان کشتی انقلاب را در دستان خود گرفته و آن را از طوفان‌های سهمگینی که با آن مواجه شده بود، به خوبی عبور دهد.^۱ بررسی دیدگاه فکری آیت الله خامنه‌ای نشان دهنده وجود یک نوع از الگو در منظومهٔ فکری ایشان می‌باشد که می‌توان آن را الگوی تصمیم‌گیری حکیمانه نامید. این الگوی فکری در برگیرندهٔ یک نوع جهان بینی توحیدی و توأم با دانش است که مبتنی بر یک نوع خرد آگاهانه و عالمانه و عمیق از شرایط و مقتضیات جامعه و نظام بین الملل می‌باشد.

۵-۱- تصمیمات حکیمانه

تصمیمات حکیمانه فرآیندی مبتنی بر یک نوع جهان بینی توحیدی می‌باشد که بر مبنای آن حاکم اقدام به اتخاذ تصمیم با توجه به شرایط موجود و بر اساس واقع گرائی می‌نماید. این تصمیمات مبتنی بر خیرخواهی و عدالت می‌باشد، عقلانی و منطقی است و با در نظر گرفتن ابعاد و زوایای مختلف، اتخاذ شده است. تاکید ایشان بر ضرورت برخورد حکیمانه با پدیده‌های فرهنگی و لزوم پیوست فرهنگی برای همهٔ موضوعات، عدم تغییر تصمیمات بر اثر اعتراضات و آشوب‌ها علی‌الخصوص در ماجرای افزایش قیمت بنزین، اعتبار بخشی به قانون و ساختار رسمی کشور و علی‌الخصوص در ماجرای آشوب‌های سال ۱۳۸۸ و بعد از آن، تصمیم به ادامهٔ کار تحقیق و توسعه و مخالفت با پذیرش محدودیت‌های بلند مدت در جریان توافق برجام، تصمیم حکیمانه ایران در مذاکرات لغو تحریم‌ها مبتنی بر «تعهد در مقابل تعهد»، تصمیم‌گیری حکیمانهٔ ایشان در مواجهه با بحران کرونا و واکنش‌های خارجی بخشی از تصمیمات حکیمانهٔ ایشان در ایام زعامتشان بر ایران اسلامی بوده است.

۵-۲- تصمیم تکلیف گرایانه

^۱ امام خمینی در مورد آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: برادری آشنا به مسائل فقهی. چون خورشید روشنی می‌بخشد. می‌دانم و در بین دوستان و معتمدان به اسلام و مبانی اسلامی از جمله افراد نادری هستید که چون خورشید، روشنی می‌دهید. من آقای خامنه‌ای را بزرگ کردم. ایشان سرمایه انقلاب هستند. با بودن آقای خامنه‌ای شما خلأ رهبری ندارید.

از دیگر مؤلفه‌های الگوی تصمیم‌گیری حکیمانه، تصمیمات تکلیف‌گرایانه می‌باشد. این مؤلفه در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، پایبندی بر ارزش‌های دینی اسلام در اخذ تصمیمات برای اداره جامعه می‌باشد. «ما هر جا موفق شدیم ناشی از تبعیت از اسلام بوده، هر جا ناموفق ماندیم ناشی از سرپیچی از اسلام بود. این نهضت و انقلاب، همه اینها مقدمه این است از برای این که اسلام پیاده بشود. ما دنبال این هستیم که اسلام تحقق پیدا بکند، دنبال اسم نیستیم که حالا ما اسم جمهوری اسلامی پیدا کردیم کافی است برای ما. مقصد این است که کشور ما یک کشور اسلامی باشد، کشور ما در تحت رهبری قرآن، تحت رهبری پیغمبر اکرم (ص) و سایر اولیاء عظام اداره بشود» (آیت الله خامنه‌ای ۱۳۸۱/۱۰/۱۹) ایشان در چارچوب تصمیمات تکلیف‌گرایانه، توحید را مسیری می‌داند که جامعه اسلامی- ایرانی بر مبنای آن می‌خواهد مسیر رشد و ترقی را طی نماید: «توحید رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی این اسلامی است که ما می‌خواهیم بر اساس آن این حکومت و این نظام و این حرکت را راهبندازیم» (آیت الله خامنه‌ای ۱۳۷۹/۹/۱۲) حمایت از مردم فلسطین و محور مقاومت، عملیات وعده صادق، تصمیم‌گیری در زمینه مقوله حجاب و عفاف، حمایت از مستضعفین، جهاد با طاغوت و استعمار، مبارزه با دشمنان اسلام من جمله تصمیمات ایشان می‌باشد که در قالب تصمیمات تکلیف‌گرایانه قابل تبیین می‌باشد.

۵-۳ تصمیم خردگرایانه

دیدگاه آیت الله خامنه‌ای مبنی بر ضرورت تدوین برنامه هائی در زمینه زیرساخت‌های نظام اسلامی و سیاست‌های کلان از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های خردگرایی و طبیعتاً آینده‌نگری در اندیشه سیاسی ایشان محسوب می‌شود. طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نیز مشخص نمودن مسیر تحولات مطلوب ایران در زمینه علم، دانش، پژوهش، اقتصاد، سیاست و معنویت، برای رسیدن به یک تمدن نوین اسلامی از جمله اقداماتی می‌باشد که در چارچوب تصمیمات خردگرایانه رهبر معظم انقلاب، قابل تبیین می‌باشد. مقاوم‌سازی اقتصادی و ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در برابر تحریم‌های به اصطلاح «فلج‌کننده آمریکا» نمونه دیگری از تصمیمات خردگرایانه ایشان می‌باشد که توانست علی‌رغم فشار حداکثری دشمن و نیز جنگ ترکیبی که اخیراً به راه انداخته بودند کشور را از پیچ دشوار عبور دهد T به نحوی که بانیان و معماران تحریم ایران خود به ناکارآمدی سیاست‌های خود در برابر تدبیر رهبر معظم انقلاب اعتراف نمودند.

۵-۴ تصمیم مصلحت‌گرایانه

تصمیمات مصلحت‌گرایانه آیت الله خامنه‌ای، ادامه رویکرد امام با محور قراردادن «منافع عمومی» در جامعه اسلامی می‌باشد. مصلحت در اندیشه سیاسی ایشان، مرتبط با منافع فردی و شخصی نمی‌باشد بلکه همانطور که بارها به صراحت اعلام نموده بودند، معطوف به حفظ مصالح

نظام اسلامی می‌باشد. «برخی گمان می‌کنند مصلحت در برابر حقیقت قرار دارد، درحالی که مصلحت خود یک حقیقت است همانطور که حقیقت هم به نوعی یک مصلحت می‌باشد. حقیقت و مصلحت از هم جدا نمی‌باشند، بلکه آنچه مذموم می‌باشد مصالح فردی و شخصی می‌باشد» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۲/۴) بنابراین در دیدگاه رهبر انقلاب، این مصالح فردی می‌باشد که امری مذموم می‌باشد، اما مصلحت عمومی و حرکت در مسیر خواسته‌های مردم، از یک نوع خیر اجتماعی برخوردار می‌باشد. در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای مصلحت جمعی از اهمیت به سزائی برخوردار می‌باشد: «در سیاست‌های کلی و در امر عمومی جامعه، معیار دیگری نیز وجود دارد که آن خواست مردم، مصلحت مردم و جهت‌گیری مصلحت مردم می‌باشد. هرکاری، هر حرکتی در جهت مصلحت مردم بود، در جهت خواست مردم مسلمان و آگاه بود، این حق است» (آیت الله خامنه‌ای ۱۳۶۸/۷/۱۲) بنابراین مصلحت در نظام فکری آیت الله خامنه‌ای امری در خدمت منافع جمعی می‌باشد. مخالفت ایشان با لایحه اصلاح مطبوعات در سال ۱۳۷۹ نیز در چارچوب همین تصمیمات مصلحت‌گرایانه قابل فهم می‌باشد که چنین بیان نمودند: «مطبوعات کشور سازنده افکار عمومی و اراده مردمند. اگر دشمنان اسلام و نظام مطبوعات کشور را در دست بگیرند یا در آن نفوذ نمایند، خطر بزرگی امنیت، ایمان و وحدت مردم را تهدید خواهد نمود. قانون کنونی تاحدودی توانست مانع از بروز این آفت شود و تغییر آن به آنچه در کمیسیون مجلس پیش بینی شده است مشروع و به مصلحت کشور نمی‌باشد.» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۵/۱۵) بنابراین آنچه در این نامه و تصمیمات مصلحت‌گرایانه ایشان قابل فهم می‌باشد، تأمین منافع جمعی مردم می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در طول سه قرن گذشته، دنیا نظاره‌گر انقلاب‌های متعددی بوده که از آن جمله می‌توان به انقلاب فرانسه، روسیه، چین، هند و الجزایر اشاره نمود. انقلاب‌هایی که بر مبنای اهداف مشخصی بنا نهاده شدند اما بعد از پیروزی بر اهداف خود وفادار نبودند و خطوط اصلی خود را فراموش نموده و دیر و زود دچار تحول و استحاله گردیدند. انقلاب اسلامی ایران در این زمینه یک استثنا محسوب می‌شود.^۱ انقلابی که نیروهای انقلابی توانستند با شناخت ماهیت آن، از آن

^۱ شهید مطهری که از او به حق به عنوان «مغز متفکر انقلاب اسلامی ایران» یاد می‌شود در رساله غنی و فاخر تحت عنوان «اسب‌های نهضت در صد سال اخیر»، معارضان جمهوری اسلامی را به سه دسته «کافران»، «منافقان» و «مومنان ضعیف‌الایمان» تقسیم می‌کند و موضوع نفوذ و استحاله را در درجه نخست مرتبط با گروه منافقان می‌داند، از دیدگاه شهید مطهری این گروه از معارضان با زیرکی و فریبکاری، خود را به عنوان انقلابی جا می‌زنند و به درون انقلاب نفوذ می‌کنند و بار ریاکاری حتی از انقلابیون نخست شعارهای تندتری سر می‌دهند و اهداف و علائق ضد انقلابی خود را ازین طریق دنبال می‌نمایند و از پشت به انقلاب‌ها خنجر می‌زنند. از دیدگاه ایشان این دسته از افراد به دنبال آن هستند تا حقایق و باطن اسلام را از آن خالی نمایند و آن را به صورت یک انقلاب در آورند که از درون خالی بوده و تنها پوسته آن باقی مانده است، و حتی در ادامه این پوسته نیز باقی نخواهد ماند. از دیدگاه

محافظت و نگه داری نمایند. این روشن بودن ماهیت انقلاب سبب شد که در صورت بروز استحاله و تغییر سیرت، امر بر رهروان این مسیر و نیز نظریه پردازان انقلاب که به بررسی انقلاب ایران و دستاوردهای آن می‌پردازند، مشتبه نگردد.

انقلاب ایران در مقایسه با سایر انقلاب‌های عصر حاضر، یکی از انقلاب‌هایی می‌باشد که توانست به خوبی مسیر آغازین خود را استمرار بخشد. یکی از عوامل مهم این تداوم، نقش رهبری امامین انقلاب می‌باشد که توانستند در بیش از چهار دههٔ اخیر علی‌رغم نوپا بودن و تجربه نداشتن انقلابیون در ادارهٔ کشور، آن را از مسیر سخت و پرپیچ و خم به خوبی عبور دهند، به گونه‌ای که شگفتی و حتی در مواردی تحسین مخالفین خود را نیز برانگیزند. امامین انقلاب به عنوان قوهٔ عاقلهٔ سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در ایران توانستند با بهره‌گیری از یک نوع مدل تصمیم‌گیری تحت عنوان «مدل تصمیم‌گیری حکیمانه»، چلهٔ نخست را با دستاوردهای فراوان به پایان رسانده و ایران اسلامی و نظام سیاسی ایران را وارد چلهٔ دوم انقلاب نمایند. دورانی که با بهره‌گیری از تجربیات و دستاوردهائی که در مرحلهٔ نخست بدست آمد می‌تواند، به مراتب پربارتر و امیدوارانه‌تر باشد.

ماهیت احیاگرانهٔ دینی انقلاب، که حاوی پیام نوین و امید بخش برای ملت‌های مستضعف بود، اما در عین حال تهدیدی برای زیاده‌خواهان و چپاولگرایان نیز بود. به همین دلیل بود که برای مقابله با انقلابی که به تعبیر میشل فوکوی فرانسوی، «روح جهان بی روح» بود، به زعم خود دست به تدابیری برای مهار آن و حتی براندازی و سرنگونی بزنند. بی‌تردید، نقش رهبران انقلاب اسلامی در تصمیم‌گیری سیاسی در دهه‌های اخیر سبب شد تا انقلاب از گزند حرکات و اقدامات نیروهای ضد انقلاب و استکباری مصون از تعرض باقی بماند. اهمیت نقش رهبران و مدل اخذ تصمیمات از سوی آنان سبب شد، تا در این پژوهش بکشیم، با بهره‌گیری از «مدل تصمیم‌گیری حکیمانه»، نحوهٔ تصمیم‌گیری رهبران انقلاب در برابر معضلات و چالش‌هایی که کشور با آن در مرحلهٔ نخست (منظور گام نخست انقلاب) مواجه شد را به صورت عینی و ملموس مورد بررسی قرار دهیم. مدل تصمیم‌گیری رهبران انقلاب و تأثیر آن در تداوم انقلاب اسلامی ایران موید این امر می‌باشد که، «ولایت فقیه» و «تصمیمات حکیمانهٔ نشأت گرفته از آن»، ضامن بقا و پیشرفت ایران برای رسیدن به قله‌های ترقی و توسعه بوده است. این تحقیق این فرصت را در دسترس آیندگان و نیز مسئولین حاضر در نظام سیاسی ایران قرار می‌دهد تا با آشنائی از مدل تصمیم‌گیری امامین انقلاب، از آن برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و عبور از چالش‌ها استفاده نمایند، چرا که ارتقای نظام تصمیم‌گیری در یک جامعه مستلزم هماهنگی همهٔ دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط و ناظر بر این امر می‌باشد.

شهید مطهری اینان تظاهر و ریاکاری می‌نمایند تا از این طریق امکان نفوذ برای آنان فراهم شود و دیگران آنان را غیر خودی و غیر انقلابی ندانند.

منابع

باباهادی، محمد باقر و رضا فیضی، (۱۳۹۷)، "مؤلفه‌های مانایی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله العالی)"، نشریه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۶، شماره یک؛

باقریان، محمد، (۱۳۷۹)، "مفاهیم و چارچوب مدیریت راهبردی با نگرش بومی"، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی؛

بهروزی لک، غلامرضا و رضا کفیلی (۱۴۰۰)، «نقش رهبر در بیداری انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال نهم، شماره نوزده؛

بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار با مردم قم، ۱۹ دی؛

بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار کارگزاران نظام، ۱۲ آذر؛

بیانات آیت الله خامنه‌ای در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی، ۱۴/۱۲/۱۳۷۷؛

بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۲/۷/۱۳۶۸؛

تسلیمی، سعید، صفری حسین و یحی سید دانش (۱۳۸۱)، "بررسی الگوی سه نوع تصمیم‌گیری حضرت امام خمینی ره با استفاده از مدل تصمیم‌گیری حکیمانه - رویکرد فازی"، دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، سال یازدهم، دوره جدید، شماره ۸؛

جعفری نژاد، مسعود و غلامحسین زارع، (۱۳۹۹)، «نقش سنت‌های الهی در تداوم انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی رهیافت انقلاب اسلامی، دوره ۱۴، شماره

۵۱

خمینی، روح الله، (۱۳۸۹)، "صحیفه امام"، ج ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛

خواجه سروی، غلامرضا و وحیده احمدی، (۱۳۹۳)، «تأثیر دستگاه معرفتی نیروهای اجتماعی بر مانایی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی ایران، دوره سوم، شماره ۱؛

رحیمی، حسن، (۱۳۹۲)، «نقش رهبری انقلاب اسلامی در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران: در نگاهی تطبیقی به تاریخ معاصر»، فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۲؛

رفیع پور، فرامرز، (۱۳۸۲)، «تکنیک‌های خاص تحقیق در رشته علوم اجتماعی»، چاپ اول، تهران انتشارات پیام نور؛

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و مرتضی شریف علی، (۱۳۹۶)، «الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه آیت الله خامنه‌ای»، نشریه رهیافت انقلاب

اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۳۸؛
فروتی، زهرا، (۱۳۹۸)، "تبیین آرمانگرایی و واقع بینی در رهبری امام خمینی: رویکرد پژوهشی" فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هشتم، شماره ۳۰؛
فتحی، یوسف، (۱۳۸۷)، "مناسبات مصلحت و تکلیف در اندیشه سیاسی امام خمینی"، فصلنامه علمی و پژوهشی انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۳؛
مبلغی، احمد، (۱۳۷۹)، "عقلانیت در اندیشه و فقه سیاسی امام خمینی"، مجله حضور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، موسسه چاپ و نشر عروج؛
نامه رهبر انقلاب به مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۹/۵/۱۵؛
هیروه، دیلیپ، (۱۳۹۰)، "طولانی‌ترین جنگ، رویارویی نظامی ایران و عراق" ترجمه علیرضا فرشچی، تهران: نشر مرز و بوم؛
هیوود، اندرو، (۱۳۸۹)، "سیاست"، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی؛